

سخن ناشر

تپه حسنلو به عنوان بزرگترین محوطه‌ی دّره‌ی سولدوز شهرستان نقده - آذربایجان غربی بدلیل برخورداری از لایه‌های مختلف فرهنگی - تاریخی به ویژه عصر آهن در حوزه‌ی باستان شناختی ایران از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. گروه‌های مختلفی در پیش و پس از انقلاب اسلامی در این تپه‌ی باستانی به کاوش پرداخته‌اند. از جمله آنها، هیئت آمریکایی به سرپرستی پرفسور رابرت هنری دایسون است که به مدت ده فصل در این تپه به کاوش پرداخت. علیرغم انتشارات بیشماری که عمدتاً نتایج حاصل از این کاوشها بوده، متأسفانه گزارش جامع حفاری این محوطه تا کنون منتشر نگردیده است. پس از گذشت نیم قرن از حفاری هیئت مذکور دکتر مایکل دانتی عضو هیئت فوق پس از مطالعات بسیار بر روی داده‌های میدانی حاصله از کاوشهای حسنلو و مطالعات عدیده کتابخانه‌ای، مجلد ارزشمند « تپه حسنلو: دوره ایلخانی» که در واقع متأخرترین لایه تمدنی - فرهنگی تپه حسنلو را شامل می‌گردد و گزارش نهایی مطالعات این دوره است که در سال ۲۰۰۴ میلادی به چاپ رسید. این گام اولیه مطالعات ارزشمندی به طور اعم در حوزه‌ی تمدن دوران اسلامی شمال غرب ایران و به طور اخص در خطه سرسبز دشت سولدوز، و مطمئناً منبع با ارزشی جهت مطالعات تمدن اسلامی به شمار می‌رود.

پژوهشکده باستان‌شناسی در راستای سیاستهای راهبردی خود اقدام به آماده‌سازی و چاپ به موقع گزارشها و فعالیت‌های میدانی هیئت‌های خارجی و داخلی نموده و بر همین اساس است که ترجمه مجلد حاضر با تلاش خستگی‌ناپذیر دو تن از پژوهشگران متعهد این سرزمین به زیور طبع آراسته می‌شود. از خداوند منان برای این عزیزان توفیق روزافزون انجام پژوهشهای علمی باستان‌شناسی بیشتر را خواستاریم.

حسن فاضلی نشلی

رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	فهرست مطالب
۱۰	فهرست اشکال و تصاویر
۱۳	پیشگفتار دایسون
۱۵	مقدمه مترجمان:
۱۷	اختصارات
۱۹	۱- تپه حسنلو و مناطق همجوار
۲۵	۲- تاریخچه حفاریهای دوره I، سالهای ۱۹۵۶ م. تا ۱۹۶۲ م.
۳۱	۳- جنوب تپه مرکزی
۳۲	ساختمان I
۳۳	ساختمان II
۳۴	سفالهای دوره I: خصوصیات کلی
۳۷	سفالهای دوره I از ساختمان I و ناحیه پیرامونی
۴۹	۴- شمال غربی تپه مرکزی
۴۹	ساختمان III
۵۲	ساختمان IV
۵۴	حصار دفاعی
۵۵	سفالهای دوره I از ساختمان III و ناحیه پیرامونی
۵۶	سفالهای دوره I از ساختمان IV و ناحیه پیرامونی
۷۳	۵- ترانسه لایه‌نگاری شمال تپه
۸۹	۶- شمال شرقی تپه مرکزی
۸۹	ساختمان V
۹۰	سفالهای دوره I از ساختمان V و ناحیه پیرامونی
۱۰۱	۷- شناسایی، بررسی‌ها و کاوش‌های منطقه
۱۰۹	۸- خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۱۵	کتابنامه
۱۱۹	تصاویر
۱۳۷	نمایه

فهرست اشکال و تصاویر

عنوان

پیش فرتور: طرح تزئینی بازسازی شده یک کوزه لاجوردی (HAS 62-10)..... صفحه

۶

تصاویر رنگی:

- الف - حسنلوی I: سفالهای لعابدار از ساختمانهای I و III..... ۸۱
- ب - حسنلوی I: سفالهای لعابدار از ساختمان III و ناحیه پیرامونی..... ۸۲
- پ - حسنلوی I: سفالهای لعابدار از ساختمان III و ناحیه پیرامونی..... ۸۳
- ت - حسنلوی I: سفالهای لعابدار از ساختمان IV و ناحیه پیرامونی..... ۸۴
- ث - حسنلوی I: سفالهای لعابدار از ساختمان IV و ناحیه پیرامونی..... ۸۵
- ج - حسنلوی I: سفالهای لعابدار از لایه های مختلف تپه حسنلو..... ۸۶
- چ - تخت سلیمان: ظروف لعابدار و نقش کنده مکشوفه در بررسی سال ۱۹۵۶ م..... ۸۷
- ح - تخت سلیمان و دینخواه تپه: ظروف لعابدار متنوع..... ۸۸

اشکال:

- ۱- نقشه خاور نزدیک که موقعیت تپه حسنلو و سایر محوطه های ایلخانی را نشان می دهد..... ۱۸
- ۲- نقشه دره سولدوز - اشنویه که موقعیت حسنلو و سایر محوطه های دوره سلجوقی و ایلخانی را نشان می دهد..... ۲۲
- ۳- تپه حسنلو: نقشه کروکی سال ۱۹۳۶ م. سر اورل اشتاین..... ۲۳
- ۴- تپه حسنلو: پلان توپوگرافی تپه مرکزی..... ۲۴
- ۵- حسنلوی I: پلان ساختمانهای I و II، جنوب تپه مرکزی..... ۳۹
- ۶- کلید راهنمای برش ها..... ۴۰
- ۷- حسنلوی I: برش شرقی ساختمان I، اتاقهای ۱، ۲ و ۵..... ۴۱
- ۸- حسنلوی I: برش شرقی - غربی تنور و دودکش ساختمان I، اتاق ۴..... ۴۲
- ۹- حسنلوی I: برش جنوبی ساختمان I، اتاقهای ۱ و ۴..... ۴۳
- ۱۰- حسنلوی I: برش شرقی ساختمان I، اتاق ۸..... ۴۴
- ۱۱- حسنلوی I: برش شمالی ساختمان I، اتاقهای ۱ و ۷..... ۴۵
- ۱۲- حسنلوی I: یافته های کوچک و سفالهای ساختمان I..... ۴۷
- ۱۳- حسنلوی I: پلان ساختمان III، شمال غربی تپه مرکزی..... ۴۸

- ۱۴- حسنلوی I: یافته‌های کوچک ساختمان III و ناحیه پیرامونی ۶۱
- ۱۵- حسنلوی I: پلان ساختمان IV، شمال تپه مرکزی ۶۲
- ۱۶- حسنلوی I: یافته‌های کوچک ساختمان IV و ناحیه پیرامونی ۶۵
- ۱۷- حسنلوی I: مقطع شمالی ساختمان IV ۶۷
- ۱۸- حسنلوی I: سفالهای ساختمان III و ناحیه پیرامونی ۶۹
- ۱۹- حسنلوی I: سفالهای ساختمان IV و ناحیه پیرامونی ۷۱
- ۲۰- حسنلوی I: کاوش I، VII L-M و VII J-K، شمال تپه مرکزی ۷۵
- ۲۱- حسنلوی I: برش غربی کاوش VII J-K ۷۸
- ۲۲- حسنلوی I: برش غربی کاوش VII L-M ۷۹
- ۲۳- حسنلوی I: پلان ساختمان V، شمال شرق تپه مرکزی ۸۰
- ۲۴- حسنلوی I: یافته‌های کوچک ساختمان V و ناحیه پیرامونی ۹۳
- ۲۵- حسنلوی I: سفالهای قرمز ساختمان V و ناحیه پیرامونی ۹۵
- ۲۶- حسنلوی I: سفالهای ساختمان V و ناحیه پیرامونی ۹۷
- ۲۷- حسنلوی I: سفالهای مکشوفه از لایه های مختلف ۹۹
- ۲۸- تخت سلیمان: سفالهای قرمز مکشوفه در بررسی سال ۱۹۵۶ م ۱۰۷
- ۲۹- حسنلوی I: نقشه بازسازی شده محوطه بر مبنای تصاویر هوایی، نقشه کروکی سال ۱۹۳۶ م اشتاین و کاوش سالهای ۱۹۵۶ م تا ۱۹۶۲ م ۱۱۴

تصاویر:

- الف - تصویر هوایی تپه حسنلو و روستاهای حسنلو و امینلو در سال ۱۹۳۷ م توسط اریک اشمیت ۱۱۹
- ب - تصویر هوایی تپه حسنلو و روستای حسنلو از نمای جنوب شرقی در سال ۱۹۵۷ م توسط هارولد جوزف ۱۲۰
- پ - تصویر هوایی تپه حسنلو در سال ۱۹۶۲ از نمای جنوب به شمال توسط وان کروفورد ۱۲۱
- ت - کاوش XXXIX (ترانسه BB28) ساختمان I اتاقهای ۱ و ۴ ۱۲۲
- ث - کاوش XXXIX (ترانسه BB28) از نمای غربی ۱۲۳
- ج - کاوش XXXIX (ترانسه BB28) از نمای جنوب غربی ۱۲۴
- چ - کاوش XXXIV (ترانسه CC30) از نمای شمال شرقی در سال ۱۹۶۰ م ۱۲۵
- ح - اندود گچ حاوی نشانه‌هایی از توفال کوبی مکشوفه از ساختمان III اتاق ۲ ۱۲۶
- د - ترانسه U23 ساختمان III اتاق ۳ ۱۲۷

- د - اشیای مکشوفه از ساختمان III ۱۲۸
- ر - ترانسه U23 ساختمان III، اتاق ۴ مشرف به شرق ۱۲۹
- ز - ترانسه U23 ساختمان III، اتاق ۴ مشرف به غرب ۱۳۰
- ژ - ترانسه T23 ساختمان III، اتاق ۶ مشرف به شمال ۱۳۱
- س - ترانسه T23 ساختمان III اتاق ۶ مشرف به جنوب غرب ۱۳۲
- ش - قطعات کوزه لاجوردی ۱۳۳
- ص - اشیای مکشوفه در کاوش L و بافتهای دیگر ۱۳۴
- ض - عودسوز از گونه سفالینه‌های ظروف نخودی مکشوفه در کاوش L ۱۳۵

پیشگفتار

محوطه باستانی تپه حسنلو عمده شهرت خود را مدیون توالی لایه‌های باستان‌شناسی مهم از آغازین دوره‌های عصر آهن می‌باشد

در صبحگاه روز هشتم سپتامبر سال ۱۹۶۳ م. سر اورل اشتاین^۱، باستان‌شناس بریتانیایی، به محوطه حسنلو واقع در جنوب دریاچه ارومیه در شرق جاده منتهی به نقده وارد شد. اشتاین تقریباً مراحل پایانی بررسی طولانی مدت و پربار خود در غرب ایران سپری می‌کرد و در آخرین مرحله این بررسی‌ها به درّه سولدوز - اشنویه در امتداد مرز استان آذربایجان با کردستان رسید (شکل‌های ۱ و ۲؛ اشتاین، ۱۹۴۰). وی با وقوف به اهمیت این محوطه کاوشهای محدودی را در آنجا به اجرا در آورد که اولین مطالعه علمی محوطه محسوب می‌شود.

حسنلو، بزرگ‌ترین محوطه درّه سولدوز به شمار می‌رود، در منطقه پستی واقع است که از طرف شمال با تپه‌ماهورهایی از دریاچه ارومیه و در جنوب به واسطه نوار برجسته‌ای از رودخانه گدار جدا می‌شود. خود محوطه باستانی حدود ۲۵ متر بالاتر از دشت مجاور قرار دارد. عرض تپه مرتفع مرکزی یا تپه ارک، حدود ۲۰۰ متر است و در دامنه‌های شمالی و جنوبی آن شیب تندی دارد. شیب دامنه غربی در مقایسه با دامنه‌های شمالی و جنوبی نسبتاً اندک است، اما دامنه شرقی از شیب چندان زیادی برخوردار نیست.

در ۲۵ جولای سال ۱۹۳۷ م. اریک اشمیت در بخشی از بررسیهای هوایی خود در ایران بر فراز این محوطه به پرواز پرداخت (اشمیت، ۱۹۴۰)، اما تصاویری که در آن زمان گرفته شده بود (شماره‌های 651 و AE 650) هرگز منتشر نگردید. دکتر اشمیت در سال ۱۹۶۰ م. این تصاویر را در اختیار ما گذاشته و اجازه انتشار آنها را به ما دادند (تصویر الف). این تصاویر اسناد بسیار مهمی را پیرامون شرایط محوطه در اختیار ما گذاشت، اما غیر از مشخص ساختن وجود یک کانال نظامی، اطلاعات دیگری در خصوص تپه مرکزی بر دایره دانسته‌های ما نیفزود.

زمانی که بنده در سال ۱۹۵۶ م. به اتفاق جیسون پیچ و تقی آصفی به محوطه حسنلو رسیدیم، کانال نظامی کاملاً قابل رؤیت بود. تمامی سطح تپه پوشیده از علف پرپشت بود؛ به استثنای نوار عریضی که در گرداگرد خطوط دیوار به پهنای تقریبی ۱ متر امتداد می‌یافت و بر روی آن اثری از علف یا خشت وجود نداشت. تصور ما این بود که جنس دیوار احتمالاً از خشت بوده و دچار وارفتگی شده و قسمت خاکستری لخت و رنگ‌باخته‌ای را به وجود آورده است. این الگو در تصویر هوایی که در سال ۱۹۵۷ م. (تصویر ب) توسط هارولد جوزف، کنسول آمریکا در تبریز، و نیز در تصویر هوایی سال ۱۹۶۲ م. توسط وان کروفورد (تصویر پ) مشهود است. در تصویر جوزف کانال نظامی

۱. سر اورل اشتاین (۱۸۶۲-۱۹۴۳ م.) باستان‌شناس و کاوشگر. اورل اشتاین متولد مجارستان بود و در سال ۱۹۰۴ م. تبعه بریتانیا گردید. وی از سال ۱۸۸۸ م تا ۱۸۹۹ م مدیریت کالج اورینتال لاهور در هندوستان (اکنون در پاکستان) را بر عهده داشت و در فاصله سالهای ۱۹۱۰ م تا ۱۹۲۹ م سرپرستی بررسیهای باستان‌شناختی هند را عهده‌دار بود. اشتاین همچنین با هدف ردیابی مسیرهای کاروانی باستان از چین تا غرب به پنج سفر تحقیقاتی نیز دست زد که کانون تحقیقات وی منطقه نسبتاً ناشناخته شرق ترکستان بوده است. وی تحقیقات گسترده‌ای را نیز پیرامون لشکرکشیهای اسکندر کبیر در آسیا انجام داده است. اشتاین در حالیکه مشغول تدارک سفر تحقیقاتی دیگری بود در کابل پایتخت افغانستان بدرود حیات گفت (دایره‌المعارف انکارنا).

بیرونی با محل استقرار توپهای جنگی و باروی داخلی دیده می‌شود که گوشه شمال شرقی این بارو تقریباً به صورت قائمه است. ترانسه تحقیقاتی که ما در بررسیهای خود در سالهای ۷-۱۹۵۶ م. زده بودیم (کاوشهای I، II، VII)، در مرکز بالای تپه مرکزی دیده می‌شود و گودی مرکزی تپه نیز در انتهای آن (در سمت چپ) قابل مشاهده است. انتهای صعودی نور در روی تصویر، گویای آن است که بخش برآمده‌ای در امتداد خطوط باروی داخلی همچنان باقی مانده، اما از سطح زمین این برآمدگی عملاً غیر قابل رؤیت بود. پندار ما این بود که در این قسمت احتمالاً پی سنگی قرار داشت، اما در حفاریهای سال ۱۹۵۶ م. و حفاریهای بعدی، مدارکی در اثبات این ادعا به دست نیامد. همچنین غیر از مقدار بسیار اندکی تکه سفال، مواد فرهنگی دیگری که نشانگر وجود استقرار اسلامی در آنجا باشد یافت نشد. این مسأله تعجب‌انگیز نبود؛ زیرا عرفاً از تپه‌های پوشیده از علف اشیای سطحی چندانی یافت نمی‌شود، مگر آنکه شدیداً آنها را مخدوش و پریشان کنیم. لذا به رغم آنکه شواهد غیرمستقیمی در خصوص وجود استقرار اسلامی در این محوطه وجود داشت، اما شواهدی قابل استنشاد بسیار ناچیز بود. لایه اسلامی بالایی (دوره I) در اغلب قسمتها گذرا و کوتاه مدت بوده است.

مایکل دانتی اکنون پس از انجام مطالعات طاقت‌فرسا بر روی داده‌های میدانی حسنلو که در فاصله سالهای ۱۹۵۶ م. تا ۱۹۶۲ م. جمع‌آوری شده بود، اکنون با تدوین و تفسیر داده‌های کاوشهای پراکنده و مجزاء، مجلد ارزشمند حاضر را با هدف ارایه اسناد دوره ایلخانی محوطه در اواخر قرن سیزدهم م. تا اوایل قرن چهاردهم م؛ دوره‌ای که کاوشهای اندکی در خصوص آن صورت گرفته، به رشته تحریر درآورده است. نظر به کمبود نوشته‌های مستند از این دست، مجلد حاضر اسباب خوشحالی ما را فراهم آورد. به دلیل فقدان تقریباً کامل کاوش در استقرارهای روستایی کوچک این دوره، پژوهشگران هرگز نمی‌توانند در مطالعات اقتصاد تلفیقی رایج در دوره مزبور که الگوهای دانداری ایلاتی نوپیدا را با کشاورزی تلفیق می‌کرد، پای خود را از متون تاریخی فراتر بگذارند. گزارش حاضر گامی کوچک، البته حیاتی در مسیری است که امید داریم راهی نو در باستان‌شناسی شمال غرب ایران خواهد بود.

رابرت هنری دایسون

سرپرست پروژه

مقدمه مترجمان:

«دشت سولدوز» بدون شک یکی از غنی ترین حوزه‌های فرهنگی - تمدنی فلات ایران و شمال غرب به شمار می‌رود. این دشت با وجود رودخانه پرآب و دائمی «گدار» و زمینهای مستعد کشاورزی و مراتع سرسبز همواره در طول هزاره‌ها باعث شکل‌گیری تمدنهای مختلفی از دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی گردیده است.

مساحت این حوزه فرهنگی حدود ۲۰۰۰ کیلومتر مربع بوده و فاصله آن با مرکز کشور ۹۵۰ کیلومتر و با مرکز استان ۹۵ کیلومتر می‌باشد. موقعیت جغرافیایی آن از شمال به کوههای کم ارتفاع یادگارلو، حیدرآباد و خان طاووس، دریاچه و شهر ارومیه و از جنوب به ادامه سلسله جبال زاگرس، باباحسن خان، سلطان یعقوب و قلّه فرنگی، شهر پیرانشهر و مرز عراق، و از شرق به شهر محمدیار، باتلاقهای دریاچه ارومیه و نیز شهرهای مهاباد و میاندوآب، و از غرب به شهر اشنویه، مرز ایران - عراق، و گذرگاه تاریخی و استراتژیک رواندوز محدود می‌باشد.

با توجه به بررسی و کاوشهای باستان‌شناختی انجام گرفته در این منطقه سابقه تاریخی - تمدنی آن به بیش از شش هزار سال ق.م بر می‌گردد. قدیمی ترین فرهنگ پیش از تاریخ منطقه شامل حاجی فیروز، دالما، پیسدیلی و دینخواه و سپس فرهنگ درخشان و غنی عصر آهنی محوطه باستانی حسنلو و تپه‌های مجاور آن می‌باشد. لایه‌های فوقانی تپه‌های پیش از تاریخ و تاریخی این دشت مربوط به تمدن دوران اسلامی بوده و شواهد فرهنگی این دوران در محوطه‌های حسنلو، حاجی فیروز و دینخواه مورد تحقیق و پژوهش علمی قرار گرفته است، هر چند حضور این تمدن در بقیه آثار تاریخی این حوزه نیز نمایان است.

نخستین پژوهشهای این منطقه در سال ۱۳۱۳ ه. ش. ۱۹۳۴ م. صورت گرفت که از آن بعنوان تجارتی یاد می‌کنند. در سال ۱۳۱۵ ه. ش. ۱۹۳۶ م. سرارول اشتاین محقق بریتانیایی به مدت شش روز در تپه حسنلو به کاوش علمی پرداخت. سرانجام پس از چند سال وقفه، علی حاکمی و محمود راد بین سالهای ۱۳۲۸-۱۳۲۶ ه. ش. ۱۹۴۹-۱۹۴۷ م. کاوشهای علمی باستان‌شناختی در حاشیه شرقی تپه حسنلو را از سر گرفتند و اشیاء مکشوفه را به موزه ایران باستان (موزه ملی ایران) منتقل نمودند.

دومین پژوهش خارجی که پس از هیئت فوق‌الذکر در دشت سولدوز به کاوش علمی پرداخت، هیئتی به سرپرستی رابرت هنری دایسون می‌باشد که از سال ۱۳۳۵ ه. ش. ۱۹۵۶ م. به مدت ده فصل در تپه حسنلو و تپه‌های مجاور از جمله حاجی فیروز، دالما، پیسدیلی، عقرب تپه و دینخواه به کاوش پرداختند که نتایج این کاوش‌ها به چاپ رسیده است.

علاوه بر هیئت‌های ذکر شده، بعدها باستان‌شناسان ایرانی نیز در این منطقه به بررسی و کاوشهای علمی پرداختند. از جمله می‌توان به هیئت باستان‌شناختی به سرپرستی علی اکبر سرفراز و جواد بابک راد در سالهای ۱۳۴۴-۱۳۴۵ ه. ش. ۱۹۶۶-۱۹۶۵ م. اشاره کرد. با انجام پژوهشهای هیئت مذکور در دشت سولدوز اکثر محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی این حوزه از جمله حسنلو و دهها تپه ی باستانی دیگر منطقه در فهرست آثار ملی ایران به ثبت

رسیدند. کشف جام زرین حسنلو و دیگر آثار فرهنگی - تاریخی مکشوفه که هر کدام به نوبه خود از اهمیت بسیاری برخوردارند این نقطه را بعنوان محوطه‌ای شاخص در مطالعات فرهنگ و تمدن دنیای ایران باستان معرفی نموده است.

دایسون تمدن و فرهنگ دشت سولدوز را از قدیم به جدید از حسنلوی X تا حسنلوی I به شرح زیر نامگذاری کرده است.

- دوره X (دوره نوسنگی حدود ۵۵۰۰ ق.م)
- دوره IX (دوره مس سنگی، هزاره‌های چهارم و پنجم ق.م)
- دوره VIII (عصر مفرغ قدیم)
- دوره VII (عصر مفرغ میانی)
- دوره VI (عصر مفرغ متأخر، حدود ۱۹۰۰-۱۶۰۰ ق.م)
- دوره V (عصر آهن I حدود ۱۵۰۰-۱۲۰۰ ق.م)
- دوره IV (عصر آهن II حدود ۱۲۰۰-۸۰۰ ق.م)
- دوره III (حدود ۸۰۰-۵۰۰ ق.م)
- دوره II دوران تاریخی (هخامنشی حدود ۳۰۰ ق.م)
- دوره I، دوران اسلامی (ایلخانی)، (منبع: دایسون ۱۹۸۹ م.)

- نتایج حاصل از کاوش و پژوهش داده‌های فرهنگی دوره I حسنلو که در فاصله سالهای ۱۳۴۱-۱۳۳۵ ه.ش ۱۹۶۲-۱۹۵۶ م. به سرپرستی دایسون انجام گرفت، در سال ۲۰۰۴ م. توسط دکتر مایکل دانتی در مجلدی تحت عنوان:

“THE ILKHANID HEARTLAND: HASANLU TEPE (IRAN) PERIOD I.” منتشر گردید.

- کتاب فوق گزارش نهایی دوره I حسنلو است که با تدوین و تفسیر داده‌های حاصله از کاوش سالهای فوق ارائه گردیده است. با توجه به کمبود مطالعات دوره اسلامی و بویژه عصر ایلخانی در خطه سولدوز، گزارش مذکور یکی از منابع مهم و مستند علمی در مطالعات باستان شناسی دشت سولدوز، تپه حسنلو و شمال غرب ایران محسوب می‌گردد.

در پایان مراتب تشکر و قدردانی خود را از آقای دکتر حسن فاضلی نشلی رئیس محترم پژوهشکده باستان شناسی و کلیه عزیزانی که ما را در انجام این مهم یاری نموده‌اند، ابراز داشته و صمیمانه از آنان سپاسگزاری می‌کنیم.

اختصارات

حسنلو	HAS
موزه هنر متروپولیتن	MET
موزه دانشگاه پنسیلوانیا	UPM
ارتفاع	ار
سانتی متر	س
ضخامت	ض
طول	ط
عرض	ع
قطر	ق

تپه حسنلو و مناطق همجوار

محوطه تپه حسنلو در جوار ساحل جنوبی دریاچه ارومیه در استان آذربایجان غربی ایران واقع است (شکل ۱). حسنلو بزرگترین تپه باستانی دره رودخانه گدار است که از رشته کوه‌های غربی زاگرس در شرق تا سواحل جنوبی تالاب دریاچه ارومیه را در بر می‌گیرد (شکل ۲). بخش غربی این دره اشنویه و بخش شرقی آن که حسنلو در آن واقع است سولدوز نامیده می‌شود.^۱ حسنلو در شمال شرقی سولدوز و در حوضه آبرگیری قرار دارد که با تپه‌های کم‌ارتفاع احاطه شده است. ویژگی‌هایی چون وجود دریاچه‌های آب شیرین کوچک، نواحی تالابی که حتی در ماه‌های خشک تابستان نیز پوشیده از علف تازه است و نیز شرایط آب و هوایی منطقه که پهنه دشت در زمستان تقریباً عاری از برف می‌ماند، شرایط بسیار مساعدی را برای گله‌داری و اقتصاد معیشتی مرکب از کشاورزی و دامپروری فراهم می‌آورد.

تپه حسنلو از یک تپه مرکزی، که اغلب در گزارشات اولیه «تپه ارک» خوانده شده، و یک تپه کم‌ارتفاع جانبی، که «شهر بیرونی» نامیده شده است، تشکیل می‌شود (نقشه‌های شماره ۳ و ۴). در سال ۱۹۶۰ م. تپه مرکزی ۲۵ متر بالاتر از دشت پیرامونی و ۲۷/۵ متر بالاتر از سطح سفره آب منطقه قرار داشت و قطر آن ۲۰۰ متر بود و ارتفاع تپه جانبی از سطح خاک لم‌یزرع مجاور ۸ متر بود و در عریض‌ترین قسمت خود ۶۰۰ متر پهنا داشت؛ اما تعیین حدود و ثغور دقیق آن به واسطه روستای کنونی حسنلو و فعالیت‌های کشاورزی اخیر میسر نگردید (تصویر الف).

روستای کنونی حسنلو، که دقیقاً در شرق تپه مرکزی قرار دارد، در تاریخ نامشخصی پس از جنگ دوم ایران و روس (۱۸۲۶-۲۸ م.) و انعقاد عهدنامه ترکمن‌چای بنا شده است. گفته می‌شود ساکنان این روستا از گرجستان به این محوطه آمده‌اند و به یکی از گویش‌های آذری با عنوان قاراپایاق (آناتولی شرقی) که از شاخه‌های زبان ترکی از خانواده زبان‌های آلتایی است تکلم می‌کنند (اشتاین، ۱۹۴۰ ص ۳۸۲). آنان احتمالاً با هدف تثبیت منطقه در مرز

۱. برای اطلاعات کامل در خصوص مناطق همجوار نک: Voigt (1983).

کردستان اسکان داده شده بودند. بافت جمعیتی امروزی منطقه سولدوز مرگب از روستاهای ترک و گُرد زبان است. نزدیکی روستای کنونی به تپه مرکزی سبب تخریبهای جزئی در لایه‌های فوقانی آن اغلب به شکل چاله‌های دفع زباله و تدفین شده است. چنین تخریبهایی در قسمتهای بررسی شده شمال و شرق تپه جانبی ثبت نشده است. در روی حاشیه شرقی تپه جانبی کانالی احداث شده که روستای کنونی حسنلو را از محوطه باستانی جدا می‌کند و تعداد زیادی تدفین باستانی در آن یافت شده است (شکل ۳). قبرستان روستای کنونی مانع از اجرای حفاری در برآمدگی کوچک واقع در جنوب شرقی تپه جانبی گردید (نقشه‌های شماره ۳ و ۴؛ تصویر الف).

حسنلو از سوی هیئت مشترک موزه دانشگاه پنسیلوانیا، موزه هنر متروپولیتن نیویورک و اداره کل باستان‌شناسی ایران به سرپرستی رابرت هنری دایسون حفاری گردید. پروژه حسنلو در فاصله سالهای ۱۹۵۶ م. تا ۱۹۷۷ م. به مدت ۱۰ فصل به کار میدانی در این محوطه پرداخت. مجلد حاضر گزارش نهایی کاوشهای دوره I حسنلوست که حدود زمانی اواخر قرن سیزدهم میلادی تا قرن چهاردهم میلادی را در بر می‌گیرد.^۱ این برهه تاریخی در غرب ایران مقارن با دوره ایلخانی است. در آن زمان، شاخه‌ای از مهاجمان مغول که در قرن سیزدهم ویرانیهای گسترده‌ای را در غرب آسیا و شرق اروپا به بار آوردند، دولت نیمه‌خودمختاری را در نواحی آذربایجان کنونی و شمال غرب ایران تشکیل دادند. مغولان در حوضه دریاچه ارومیه پایتختها و قصرهای متعددی بنا کرده‌اند که نشان از اهمیت منطقه در نظر اقوام تازه‌وارد کوچ‌نشین دارد؛ آنان به ارزش مراتع پوشیده از علف منطقه در تابستان و جاده‌های ارزشمند آن، به ویژه جاده‌های منتهی به غرب که از رشته کوه‌های زاگرس با عبور از گردنه‌های کله‌شین و رواندوز به شمال عراق می‌رسید، پی برده بودند (شکل ۱). در جنوب غربی این منطقه، پایتخت دیگر ایلخانان، بغداد، قرار داشت که اقامتگاه قشلاقی دربار سلطنتی ایلخانان را در خود جای می‌داد. در مناطق غربی‌تر، سرزمین فتح‌نشده ممالیك قرار داشت. این سرزمین جدی‌ترین رقیب امپراتوری جدید بود و عملیاتهای نظامی بسیاری بر علیه آنان ترتیب دادند. با این تفصیل، تعجبی نیست که به رغم توجه اندک باستان‌شناسان به منطقه سولدوز - اشنویه، منتهی‌الیه غربی هسته مرکزی سرزمین ایلخانان، در میان داده‌های باستان‌شناسی مدارک بسیار زیادی به چشم می‌خورد. به دلیل اهمیت سوق‌الجیشی و اقتصادی منطقه، می‌توان انتظار داشت که طیف بسیار وسیع و متنوعی از استقرارهای ایلخانی، از چراگاههای فصلی و روستاهای کشاورزی کوچک تا پاسگاههای مرزی و شهرهای کوچک و مراکز اداری استحکام‌بندی شده را بتوان در این منطقه مشاهده کرد. به نظر می‌رسد محوطه حسنلو دهکده‌ای کوچک و بناهای آن با طرح و برنامه ساخته شده بود و در تمامی فصول سال مردمان نسبتاً متمکنی در آن سکونت داشتند. اظهار نظر در خصوص کارکرد محوطه حسنلو در داخل چهارچوب کلی نظام استقراری منطقه در عصر ایلخانی به دلیل محدودیت اطلاعات باستان‌شناسی از این منطقه دشوار است. در هر حال، به نظر می‌رسد اهمیت مشهود این محوطه را - به نسبت وسعت اندک آن، باید با نزدیکی آن به جغاتو، اقامتگاه قشلاقی مغولان، مرتبط دانست (شکل ۱).

۱. برای آگاهی از توالی کامل لایه‌های حسنلو نک: Dyson (1983: xxvii-xxviii).

گزارش حاضر بر مبنای داده‌های اخذ شده از قسمتهای حفاری مرتبط، شامل ارتفاعات جنوبی، شمال غربی و شمال شرقی تپه مرکزی (سه مورد از چهار رأس تپه مرکزی) و ترانسه لایه‌نگاری شمالی (کاوشهای ۱ و ۴) استوار است. هر یک از قسمتهای حفاری به طور مجزا معرفی می‌شوند، چرا که هر کدام برون‌زدهای منفکی از ساختمانهای مجزا و متفرق دوره اول بودند و از حیث معماری یا لایه‌نگاری هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشتند؛ لذا همواره در خصوص تعیین دقیق ارتباط زمانی این بخشها با یکدیگر شبهاتی مطرح خواهد بود، اما با توجه به تشابه مجموعه‌های سفالی آنها، به نظر می‌رسد قدمت تمامی آنها را می‌توان در محدوده قرون واحدی قرار داد.

در انتساب بسیاری از نهشته‌ها به دوره I، از تشابهات سفالهای لعابدار، سفالینه‌های ساده و بناها (به ترتیب اهمیت) بهره گرفته شده است. امکان تعیین قدمت تقویمی و دقیق دوره I به هیچ وجه میسر نبود؛ زیرا نه از نهشته‌های این دوره نمونه‌برداری رادیوکربن به عمل آمده بود و نه - غیر از یافته‌های سطحی مربوط به قرن نوزدهم میلادی - هیچ کتیبه یا سکه قابل تاریخ‌گذاری یافت شده بود.

در برخی از بخشهای محوطه که بقایا و فیچرهای معماری در نزدیکی سطح قرار داشت، انتساب آنها به دوره خاص به دلیل وضعیت بد بناهای نزدیک به سطح و کمبود اشیای شاخص مرتبط با آنها تقریباً غیرممکن بود. در این زمینه، حصول شناخت از وضعیت سطحی تپه مرکزی پیش از حفاریهای آن، که به مدد بررسی تصاویر هوایی، مرور یادداشتهای حین حفاری و مطالعه کتب و رساله‌های فرهنگی تاریخی صورت گرفت، بسیار سودمند افتاد و مدارکی را در تأیید انتساب فیچرها و بناها به دوره I فراهم آورد. پس از ترسیم نقشه محدوده فضایی تغییررنگ چندضلعی خاک سطح تپه مرکزی با استفاده از تصاویر هوایی و تلفیق آن با نقشه توپوگرافیک و پلانها و برش‌های (مقاطع) ساختمانهای دوره I، فیچری نمایان شد که به احتمال قریب به یقین حصار فرسوده دوره I بود (نک: ادامه). تغییر رنگ خاک سطح تپه، تمامی نهشته‌های لایه‌بندی شده دوره I را شامل می‌شد و تمامی قسمتهای ساختمان دوره I به موازات خطوط آن کشیده می‌شد. در چند نقطه معدود که لایه‌های دوره I چندان دچار فرسایش نشده بود در زیر فیچر سطحی عموماً بقایای زیرسطحی فرسوده از قبیل دیوارها و احتمالاً یک خندق مدفون قرار داشت.

باید اشاره کرد که بخش اخیر توالی لایه‌های حسنلو - یعنی دوره‌های IIIA/II, IIIB, I - تنها در جنوب تپه مرکزی به صورت پیوسته و بلافصل کشف شد (نک: ادامه، ساختمانهای I و II). در اکثر بخشهای حفاری تپه مرکزی، بقایای دوره IIIB اولین بقایای استقراری بکری بود که کاوشگران با آن مواجه می‌شدند.

در مجلد حاضر همچنین گزارش مختصری پیرامون برخی از محوطه‌های حاوی استقرارهای تأیید شده یا احتمالی دوره I شمال غرب ایران که در جریان، شناسایی بررسیها و کاوشهای باستان‌شناسی پروژه حسنلو ثبت شده است ارایه گردیده و مشکلات موجود بر سر راه بازشناسی آثار اواخر دوره سلجوقی از آثار اوایل دوره ایلخانی با تمرکز به مجموعه‌های سفالی که در جریان بررسیهای باستان‌شناسی جمع‌آوری شده‌اند بررسی می‌گردد.